

گفتمان انقلاب اسلامی و مسایل و چالش‌های فرا روی آن

علی خالقی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

در نوشته حاضر بدنبال بررسی مسایلی هستیم که می‌توانند گفتمان انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن را در محیط داخل و بیرون از آن به چالش بکشاند. احتمال ظهور چالش‌های گفتمانی از سوی اسلام مدنی، فرهنگی و سلفی با وجود بسترهای تشدید کننده‌ای داخلی مانند مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و جاه طلبی و دشمنی برخی از دولت‌های منطقه از جمله عربستان، ترکیه و دولت غاصب اسرائیل و خطر داعش و سلطه جویی غرب به رهبری آمریکا و تلاش‌های ستیزه جویانه آنها با گفتمان انقلاب اسلامی به مثابه برخی از این چالش‌ها در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌گان: اسلام سلفی، اسلام فرهنگی، اسلام مدنی، چالش‌های منطقه‌ای و سلطه جویی آمریکا، گفتمان انقلاب اسلامی.

سیهر سیاست

سال چهارم

شماره یازدهم

بهار ۱۳۹۶

مقدمه

گفتمان انقلاب اسلامی با آرمان ایجاد یک نظام سیاسی دینی (جمهوری اسلامی) شکل گرفت و برای مرکزیت بخشیدن به دال مرکزی خود "جمهوری اسلامی" در صدد تصاحب دال های مشترک و هم ارز گفتمان های رقیب داخلی (لیبرالیسم و مارکسیسم) و گفتمان های بیرونی (مدرنیته هژمونی طلب غربی و اسلام آمریکایی) برآمد. و از آنجا که همیشه حالتی از رقابت و ضدیت و کشمکش میان گفتمان ها وجود دارد و گفتمان ها مدام توسط فرایند حاشیه رانی و برجسته سازی در صدد به حاشیه راندن و طرد گفتمان و مفصل بندی رقیب هستند و می کوشند تا عناصر گفتمانی خویش را برجسته کنند (laclau, 1990:34) همواره گفتمان های هم ارز به حاشیه رانده شده در داخل و گفتمان های رقیب در بیرون از مرزهای ملی در یک فرایند آنتاگونیستی، در صدد به چالش کشاندن گفتمان انقلاب اسلامی بوده اند. هرچند امروز نظام برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی (جمهوری اسلامی) به بلوغ همه جانبه و به ثبات سیاسی، اقتصادی در داخل دست یافته و به یک بازیگر سیاسی موثر در منطقه و نظام بین الملل تبدیل شده است، ولی همچنان برخی زمینه های چالش زا در داخل کشور و بیرون از مرزهای ملی در برابر گفتمان انقلاب اسلامی وجود دارد. چرا که همواره تعداد بی شماری از عناصر اجتماعی وجود دارند که می توانند به مثابه دال های شناور در معرض گفتمان های رقیب انقلاب اسلامی قرار بگیرند. در یادداشت حاضر در پاسخ به این پرسش که چه بسترهایی ممکن است به بی قراری رخدادهای و لغزیدن دال های شناور به سمت گفتمان های رقیب انقلاب اسلامی بیانجامد و باعث تضعیف آن شود پرداخته و در این زمینه به برخی از این زمینه های تضعیف کننده و چالش زا در محیط داخلی، منطقه ای و بین المللی اشاره می شود.

گفتمان انقلاب اسلامی

هر انقلابی نه تنها سامان سیاسی جدیدی را به همراه دارد و به تعییر ساموئل هانتینگون «نظم جدیدی» را به ارمغان می آورد، بلکه مجموعه به هم پیوسته ای از



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

مفاهیم، واژه‌ها و ادبیات جدیدی را به همراه خود می‌آورد و گاهی شعاع این گفتمان جدید مرزهای جغرافیایی یک کشور را درمی‌نوردد و دامنه‌ی تأثیر آن تا فراسوی مرزهای دیگر کشورها نیز کشیده می‌شود. نگاهی گذرا به انقلاب‌های بزرگ جهان نشان می‌دهد که این انقلاب‌ها، افزون بر تحولات سیاسی-اجتماعی و تغییر و دگرگونی ساختارها، گفتمان جدیدی را مطرح نمودند. به عنوان نمونه انقلاب کبیر فرانسه، نظام‌های سلطنتی و به ویژه پاتریمونیالی را سخت به چالش طلبید و با ایجاد گفتمان جدیدی که می‌توان آن را گفتمان مردم‌سالاری و یا جمهوریت نامید، انقلابی بزرگ در ادبیات سیاسی و اجتماعی آفرید و زبان و ادبیات روشنفکری را سخت تحت تأثیر خود قرار داد. حقوق بشر، چپ و راست، شهروندی، برابری، برادری، آزادی، جامعه‌مدنی و...، مؤلفه‌های اساسی این گفتمان جدید را شکل می‌دهند. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی را باید انقلابی در گفتمان‌های حاکم بر قرن بیستم دانست. ادبیات جدید و گفتمان انقلابیون بلشویک به سرعت از مرزها عبور کرد و زبان و ادبیات مشترک بسیاری از روشنفکران و انقلابیون جهان در اروپا و آمریکای لاتین و بسیاری از کشورهای شرقی گردید. مؤلفه‌های اساسی این گفتمان جدید را شکاف میان مالکیت اشتراکی و لغو حاکمیت خصوصی و مانند آن تشکیل می‌دهد. انقلاب ۱۹۴۹ چین را باید انقلابی درون گفتمانی نسبت به گفتمان انقلابیون بلشویک دانست. نتیجه اینکه هر انقلابی نه تنها سازمان‌ها و ساختارهای جدیدی را خلق می‌کند و بسیاری از عادات و سنن گذشته را خرق می‌نماید، بلکه گفتمان جدیدی را با خود متولد می‌کند که ابعاد آن می‌تواند مرزهای جغرافیایی را به سرعت در نوردد. انقلاب اسلامی ایران که به اعتراف جمله محققان و پژوهشگران بی‌طرف، بزرگ‌ترین حادثه نیمه دوم قرن بیستم می‌باشد، نه تنها نظام پاتریمونیالی را سست و لرزان نمود، بلکه گفتمان جدیدی را ایجاد کرد که در ادبیات سیاسی انقلابیون جهان مؤثر واقع شد و به ویژه مسلمانان جهان را سخت تحت تأثیر قرار داد. (ایوبی حجت اله، ۱۳۸۰)

"اسلام گرایی" به مثابه دال مرکزی این گفتمان، همچنانکه امام خمینی تأکید نموده اند (امام خمینی ۲۲ مهر، ۱۳۵۷) یک دال بی بدیل بوده و از این رو در غیریت با گفتمان لیبرال دموکراسی غرب و گفتمان‌های سنتی کشورهای اسلامی

بوده است. ایشان در این باره می فرمایند: "آنچه را که ما به نام جمهوری اسلامی خواستار آن هستیم فعلاً در هیچ جای جهان نظیرش را نمی بینیم." (امام خمینی، ۵۷/۱۰/۲۳). براین اساس ایشان هدف اصلی انقلاب اسلامی را تشکیل نظام اسلامی مبتنی بر جمهوری اسلامی دانسته و در توصیف آن می فرمایند: "آنچه مهم است ضوابطی است که در این حکومت باید حاکم باشد که مهمترین آنها عبارت است از اینکه اولاً متکی به آرای ملت باشد، به گونه ای که تمامی آحاد ملت در انتخاب فرد و یا افرادی که باید مسئولیت و زمام امور را در دست بگیرند شرکت داشته باشند؛ و دیگر اینکه در مورد این افراد نیز خط مشی سیاسی و اقتصادی و سایر شئون اجتماعی و کلیه قواعد و موازین اسلامی مراعات شود..... خطوط اصلی در قانون اساسی این حکومت را اصول مسلم اسلام که در قرآن و سنت بیان شده تشکیل می دهد." (امام خمینی، همان) بنابراین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فضای استعاری گفتمان انقلاب اسلامی حول دال مرکزی "اسلام" مفصل بندی شده و دال های شناوری مانند: پیوستگی دین و سیاست، مردم گرایی دینی، امت اسلامی، ولایت فقیه، عدالت، آزادی، برابری و مساوات، اخلاق و معنویت، قانون، استقلال، ظلم ستیزی، استکبارستیزی، حمایت از محرومین و مستضعفان، فقرزدایی، خدمات رسانی، توسعه اقتصادی و سیاسی، و... حول این دال اصلی شکل گرفته و یک نظام معنایی تثبیت شده ایجاد نموده است (شکل ۱).

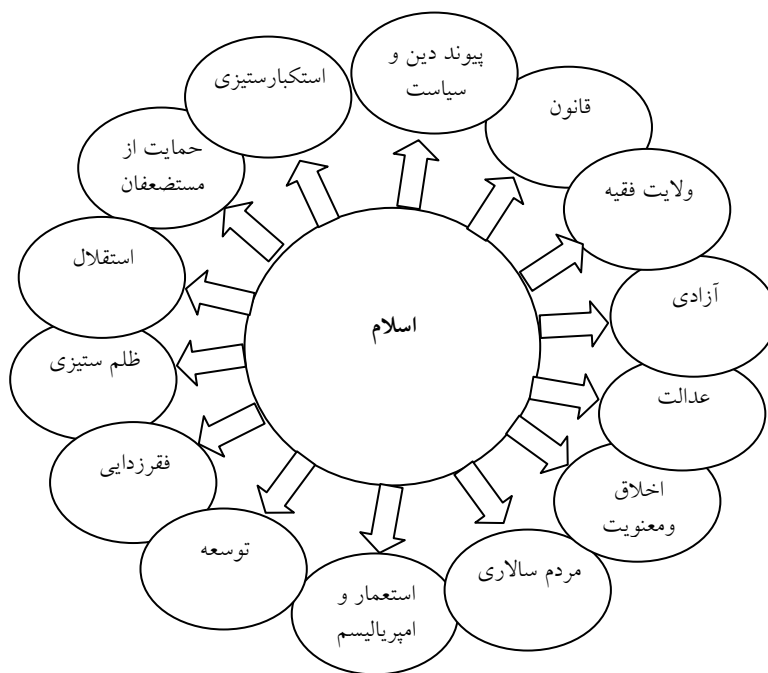
در حقیقت گفتمان انقلاب اسلامی با مرکزیت بخشیدن به اسلام یک نظام معنایی از امر سیاسی را مفصل بندی نمود که در این نظام معنایی بر عدالت، اجرای قوانین الهی، آزادی توأم با مسئولیت، اخلاق و معنویت، مبارزه با ظلم و استکبار، حمایت از مستضعفان، بیداری اسلامی، روحیه شهادت و خود باوری مسلمانان در برابر دیکتاتوری و استکبار تاکید می شود. همچنان که معلوم است در این نظام معنایی جمهوری اسلامی در یک مواجهه آنتاگونیستی با هر گونه غیریت: سکولاریستی، دیکتاتوری و استکباری قرار می گیرد. از این رو عناصر سکولار داخلی به منظور دستیابی به جامعه سکولاریستی مورد نظر خود، تلاش نموده است، ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی را استحاله، و نگرش سکولاریستی را جایگزین نگرش دینی کنند. در این راستا آنها تلاش کردند تا از انقلاب اسلامی،



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

تفسیری سکولار - دموکراتیک عرضه کرده و غایت انقلاب اسلامی را که اسلام و اجرای احکام اسلامی بود، «دموکراسی سکولار» معرفی کنند. از سوی دیگر قدرت های استکباری نیز همواره سعی دارند مانع رشد و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی شوند چه اینکه به تعبیر مقام معظم رهبری: "انقلاب اسلامی با این جوهر و طبیعت خود و ماهیت اسلامی خود، خصومت و دشمنی را از طرف استکبار اقتضاء می نماید. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۸/۸/۱۱). براین اساس در نوشته حاضر سعی ما بر آن است تا به برخی از مسایل و مشکلاتی که از سوی گفتمان های رقیب انقلاب اسلامی در غیریت با آن در سه سطح داخلی، بین المللی و منطقه ای ایجاد شده یا ممکن است ایجاد شود، بپردازیم.



شکل ۱. مفصل بندی نظام معنایی امر سیاسی با محوریت اسلام

گفتمان انقلاب اسلامی
و مسایل و چالش های
فراروی آن
(۷ تا ۲۷)

الف) چالش های داخلی

گفتمان انقلاب اسلامی بر این نکته تاکید دارد که می بایست در جامعه، شریعت یا قانون خداوند حکم فرما باشد و از این رو گفتمانی مبتنی بر حضور ارزش های

دینی در ساحات مختلف اجتماع بشری بوده و انتظام دنیوی و اصلاح و آبادانی اجتماع بشری را پیرامون دال مرکزی اسلام و اعتقاد و ایمان اخروی مفصل بندی کرده است. به عبارتی گفتمان انقلاب اسلامی برپایه ملازمه بین سیاست و دین و سیادت معنویت استوار بوده است. از این رو همواره گفتمان های سکولاریستی (لیبرال ها و مارکسیست ها) تلاش نموده اند این دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش بکشانند. چه اینکه مطابق دیدگاه این گفتمان های سکولاریستی، اقتصاد و سیاست و امور اجتماعی حوزه ای خاص از رفتارهای انسانی و اجتماعی است که هر یک علم خاص خود را دارند. بنا بر این در این گونه امور نباید به دخالت دین و اصول دینی اندیشید. این گفتمان ها در شرایط بوجود آمده پس از انقلاب مثل جنگ ایران و عراق به مرور به حاشیه رانده شدند ولی به هیچ وجه دست از تلاش برنداشته و سعی نموده اند تا دعاوی انقلاب اسلامی را به چالش کشانده و در صدد به حاشیه راندن آن باشند. این گفتمان ها برخلاف گفتمانهای پیش از انقلاب، به مرور ماهیتی متفاوت پیدا کرده و دلالت های رقابت آمیز دیگری نسبت به مدعیات انقلاب اسلامی مطرح می نمایند.

۱. **اسلام مدنی:** یکی از این گفتمان های رقیب، گفتمان اسلام مدنی / اجتماعی است. این گفتمان توجه اش بالذات به سیاست نیست، بلکه توجه اش اصالتاً به گروههای مدنی - اجتماعی و سازمانهای مردم نهاد است. به عبارتی بر نظریه «جامعه مذهبی و دولت مدنی» تاکید می کند. (داوود فیرحی، ۲ شهریور ۱۳۹۳) گفتمان اسلام مدنی در کنار گفتمان اسلام انقلابی یا سیاسی، از همان دوران پس از انقلابی کوشش کرده: بر سازگاری اسلام با دموکراسی، حکومت قانون، حقوق شهروندی و حقوق بشر تاکید نماید. حامیان این گفتمان در دوره اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) با شعار توسعه سیاسی و در بخش میانی جامعه با شعار جامعه مدنی از اسلام مدنی دفاع نموده است.

علیرغم اینکه روشنفکرانی مانند شبستری و سروش از مدافعان گفتمان اسلام مدنی بوده و معتقدند: که ایمان اسلامی بدون آزادی و اختیار فردی ایمان نیست بلکه عادت است، در اسلام فقط مسلمانان مکلف به انجام «وظیفه» و «تکالیف» نیستند، بلکه بندگان خدا صاحب «حقوق» نیز هستند، در سنت امامان شیعه



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

حکومت بر مردم تحمیل نمی‌شود، امامان شیعه مدافع ترور و شکنجه نیستند، می‌توان مسلمان بود و از حکومت دموکراتیک دفاع کرد (و..).

وعلی‌رغم این که این گفتمان از حمایت تعداد کمی از روحانیان: مانند خاتمی، شبستری، کدیور، اشکوری، فاضل میبدی، ایازی، قابل، درایتی و... نیز برخوردار بوده است. تاکنون نتوانسته مانند اسلام انقلابی در جامعه ایران نفوذ کند. (جلائی پور: ۳۶۱-۳۴۹). ولی این گفتمان که امروز به عنوان دو الگوی عملی در ترکیه و مالزی و اندونزی ادامه حیات می‌دهد، (داوود فیرحی، ۲ شهریور ۱۳۹۳) و در برخی از کشورهای اسلامی مثل تونس نیز در حالی پی‌گیری است، پس از رخداد انقلاب‌های عربی در حال پوست اندازی است و پس از بهار عربی، به صورتی ایجابی به بهار اسلام مدنی تغییر شکل داده و خود را در دنیای جدید بازتولید می‌کند، در صورت اتحاد با دیگر گروه‌های اجتماعی عرب، به سمت تعریف جدید از اسلام سیاسی دست می‌یابد، و می‌تواند گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش بکشانند. (نبی‌الله ابراهیمی، ۲۷ آذر ۱۳۹۰).

۲. **اسلام فرهنگی:** یک برداشت دیگری از اسلام‌گرایی در جهان اسلام هست که به شدت فرهنگی است حتی اجتماعی هم نیست. یعنی بیشتر تکیه می‌کند بر مفهوم دعوت و خودسازی فردی و مسائلی اینچنین. حتی به ساخت‌ها، شبکه‌ها و روابط اجتماعی / مدنی نیز توجه نمی‌کند. برای مثال در ادبیات ما جریان‌هایی داریم مثل: انجمن حجتیه یا انجمن مهدویت که اینها بیشتر بر فرد تکیه می‌کنند و بحثشان بیشتر بر تغییرات فردی حرکت می‌کند. یا مثلاً جماعت تبلیغ در شرق کشورمان، همچنین در پاکستان، که به خودسازی‌های فردی مؤمنان بیشتر توجه دارند و به دنبال شبکه‌های به هم بافته مدنی، اقتصادی، آموزشی و سرانجام تشکیلات حزبی نیستند. یعنی مثل ترکیه دنبال ایجاد یک نظام مدنی که اقتصاد و بازار و حزب جدید و این جور چیزها داشته باشند نیستند بلکه به دنبال این هستند که مثلاً به خانواده‌های فقیر کمک کنند و در قالب خیریه‌ها و غیره عمل نمایند. اغلب‌گرایش‌های اسلام‌گرایی فرهنگی، خصلت فردی و فرومدنی دارند و بیشتر در سطح فرد و خانواده‌ها عمل می‌کنند. (فیرحی، همان)

۳. **اسلام سلفی:** که مهم‌ترین رقیب انقلاب اسلامی در جهان اسلام است. این



گفتمان نه تنها در سپهر نظری حتی در عرصه عمل نیز به یک رویارویی خونین رسیده است. اگر چه تاکید بر تمایزات گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام شیعی با این گفتمان مبتنی بر اسلام سلفی می تواند جنبه های زیباشناختی گفتمان انقلاب اسلامی را برجسته نماید. ولی این امر از قدرت هم آورد خواهی آن نمی کاهد.

در سال های اخیر بدنبال فعالیت گروه های سلفی از طریق توزیع انواع وسایل تبلیغاتی، گسترش شبکه های ارتباطی، شبکه های اجتماعی افزایش چشم گیری داشته و این امر به میزان اثرگذاری آنها در حوزه فرهنگی افزوده و این موضوع در میان آن بخش از گروه های مذهبی ایران که گرایش افراطی دارند، می تواند تهدیدی جدی تلقی گردد. به لحاظ سیاسی نیز اگر بگوییم مهم ترین منزلت گفتمان انقلاب اسلامی در تضعیف شکاف های شیعه و سنی، عرب و عجم، و تقویت تضاد اسلام و غرب و اسلام صهیونیسم بوده است، این موضوعات نیز از سوی سلفیان مورد تهدید قرار گرفته است.

از سوی دیگر با توجه به تأکید جریانات سلفی بر ایجاد حکومت جهانی و مبارزه با دولت های محلی، احتمال شکل گیری و به وجود آمدن گروه هایی که بخواهند علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدامات یا تحریکاتی انجام دهند، نیز متصور است که گروه جندالله به رهبری عبدالملک ریگی مؤید این موضوع می باشد. (حیدر کشاورز، تاثیر سلفی گری منطقه ای بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سایت بصیرت، ۲۸ مهر ۱۳۹۳).

در چنین شرایطی گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی در فضای درون گفتمانی نیز با چالش هایی مانند: رقابت های ناسالم جناح های سیاسی، انحصار طلبی جناحی، بی تقوایی سیاسی روبرو می باشد.

شرایط تشدید کننده چالش های داخلی

۱. شرایط فرهنگی

سرعت جریان تبادل ارتباطات و فناوری رو به رشد جریان اطلاعات خطر بزرگی را پیش روی کشورهایی همچون جمهوری اسلامی می نهد. تبلیغات ماهواره ای و شبکه های اینترنتی که امروزه از آنها به قدرت نرم نیز یاد می شود

یکی از مصادیق بارز این آسیب فرهنگی است. در چنین شرایطی عملکرد فرهنگی نظام جمهوری اسلامی چندان رضایت بخش نبوده و نیست از این رو رهبری از وضعیت فرهنگی کشور ابراز نگرانی کرده و می فرمایند: «من از مسائل فرهنگی نگرانم... دولت محترم باید به این موضوع (نگرانی های موجود درباره حوزه فرهنگ) توجه کند و مسئولان فرهنگی نیز باید توجه داشته باشند که چه می کنند، زیرا در مسائل فرهنگی نمی توان بی ملاحظه گی کرد» (آیت اله خامنه ای، ۹۲/۱۲/۱۵). اکثر صاحب نظران به وجود مشکلاتی فرهنگی متعددی مانند: بحران هویت، دوگانگی در نظام آموزش، کاهش معیارهای اخلاقی و رواج ارزشهای ضد اخلاقی (دروغ، نفاق و دورویی، تجمل و اشرافی گری، روحیه منفعت طلبی شخصی، نظم گریزی، کم کاری) روحیه تک روی، مسئولیت ناپذیری، پایین بودن نرخ مطالعه و کتاب خوانی در جامعه ایران اشاره کرده اند. (غلامحسین الهام، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۲ و حمید داوود آبادی، ۲۵ فروردین ۸۹) به نظر می رسد مدیریت باثبات فرهنگی، تقویت زیرساخت های فرهنگی جامعه و تلاش برای احیای فرهنگ های بومی و ملی از طرق مختلف (به ویژه رسانه ها در داخل و ایجاد شبکه های توانمند ماهواره ای) در جهت تبلیغ و نشان دادن چهره واقعی و اصیل فرهنگ اسلامی - ایرانی، می تواند در آینده فرهنگی انقلاب اسلامی اثرگذار باشد. به تعبیر رهبری: "دو کار اساسی و اصلی است که باید انجام بگیرد؛ یکی تولیدات فرهنگی سالم در زمینه های مختلف، و یکی جلوگیری از تولیدهای مضر و به اصطلاح متاع و کالای مضر فرهنگی؛... رهاسازی فرهنگ اصلاً جایز نیست. مدیریت فرهنگ یک کار بسیار لازم است؛ و مدیریت هم باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبانی انقلاب باشد." (آیت اله خامنه ای، ۹۴/۶/۴).

۲. شرایط اجتماعی

یکی از مهمترین کاتالیزورهای چالش های پیش روی نظام اسلامی، وجود آسیب های اجتماعی است. چنانچه این معضلات اجتماعی در مراحل ابتدایی کنترل و حل نشوند، برای مقابله با آن می بایست هزینه های گزافی را پرداخت کنیم. شناسایی و حل بسترهای این نوع از چالش از مقدمات مقابله با آن است. عللی چون: بیکاری، اعتیاد، فقر، طلاق، دزدی، بی عدالتی های اجتماعی، فاصله طبقاتی،

و... می‌تواند از جمله مصداق‌های این نوع چالش باشد. بدون اینکه بخواهیم سیاه‌نمایی کنیم باید قبول کنیم که آسیب‌های اجتماعی متفاوتی در جامعه ما وجود دارد که لازم است ضمن شناخت دقیق آن به حل و رفع آن‌ها پرداخته شود. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با انتشار گزارشی اعلام کرد که بیکاری، اعتیاد، فقر و طلاق به عنوان مهم‌ترین مشکلات اجتماعی کنونی ایران هستند. (همشهری آنلاین ۱ آبان ۱۳۸۶، کد مطلب: ۳۴۶۶۴۸).

۳. شرایط اقتصادی

برخی از مشکلات اقتصادی مانند حضور پررنگ دولت در اقتصاد و اجرای ناقص اصل ۴۴، فقدان رشد اقتصادی و بهره‌وری، کمبود منابع مالی، سیاست زدگی اقتصاد، فساد و بی‌انضباطی مالی دولت، عدم استقلال بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست‌های پولی، ناتوانی در کنترل نقدینگی و جذب سرمایه، تورم مزمن، نرخ رشد بیکاری جوانان تحصیل کرده و نامناسب بودن فضای کسب و کار بی‌شک یکی دیگر از کاتالیزورهای چالش‌های موجود در برابر نظام اسلامی است. (حسین راغفر، ۲۶ مهر ۹۴ و علی طیب‌نیا، ۲۷ تیر ۹۲). یکی از مشکلات ساختاری اقتصاد ایران وابستگی به نفت و بالا رفتن وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی است. چرا که اقتصاد تک‌محصولی در تحولات بازار و نوسانات تورمی اقتصاد بین‌المللی بسیار شکننده است. از ابتدای انقلاب تا کنون تلاش‌های بسیاری در جهت کاهش وابستگی به نفت صورت گرفته، اما بی‌گمان کافی نیست. توانمندی در تولیدات کشاورزی و صنعتی و همچنین هماهنگی در صادرات و واردات و به ویژه بالا بردن درآمد ملی در توسعه بخش جهانگردی، در تحکیم زیربنای اقتصادی موثر خواهد بود.

ب) چالش‌های بیرونی

علیرغم وجود چالش‌های درون‌گفتمانی و شرایط تشدیدکننده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در داخل کشور، به نظر می‌رسد گفتمان انقلاب اسلامی در شرایط کنونی در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل نیز با مشکلات و چالش‌هایی مواجه است که به بررسی برخی از این مشکلات و چالش‌ها اشاره می‌گردد.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

چالش‌های منطقه‌ای

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تکوین گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی سیاسی تعیین‌کننده، ایدئولوژی‌های سیاسی حاکم بر منطقه مانند ملی‌گرایی و پان‌عرب‌یسم را تضعیف نمود. و ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی بر مبنای آموزه‌های اسلامی را وارد مناسبات منطقه‌ای ساخت که پیش از این چندان تاثیرگذار نبودند. شهادت‌طلبی، استکبارستیزی، مبارزه با صهیونیسم، برادری و اخوت اسلامی، اتحاد اسلامی، ظلم‌ستیزی دال‌هایی بود که در گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفت و در میان ملل اسلامی تجلی و نمود پیدا کرد. بیداری اسلامی و احیای هویت اسلامی مسلمانان و تلاش آنان برای بازگشت به اصول و آموزه‌های اصیل اسلامی و استقرار نظم سیاسی اسلامی از تجلیات عینی این تاثیرگذاری بوده است. این موضوع بویژه نقش افکار عمومی در منطقه را ارتقاء و افزایش داده است. بنابراین کشورهای عربی منطقه که ظهور گفتمان انقلاب اسلامی را خطری برای خود می‌دانستند، درصدد مقابله با تاثیرات انقلاب اسلامی ایران برآمدند. حمله نظامی رژیم عراق به ایران و اقدام کشورهای عربی منطقه، برای ایجاد ائتلافی منطقه‌ای با عنوان شورای همکاری خلیج فارس در ماه مه ۱۹۸۱ نمود عینی این اقدامات آنها بود. اگرچه به موازات فاصله گرفتن از شرایط خاص انقلاب اسلامی، روابط این کشورها دچار تغییر و تحولات گردید، اما هنوز برخی از کشورهای منطقه رقابت را بر همکاری ترجیح داده‌اند. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی منطقه خاورمیانه و ظهور برخی زمینه‌های چالش‌زا این مقابله و دشمنی با گفتمان انقلاب اسلامی افزایش یافته است. اظهارات هم‌زمان مقامات ترکیه، عربستان و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران در نشست امنیتی مونیخ که تقریباً با ادبیاتی نزدیک به هم بوده از وجود تلاش مشترکی برای تشکیل یک جبهه عبری، عربی، ترکی علیه نظام جمهوری اسلامی حکایت دارد. «چاووش اوغلو» و «عادل الجبیر» وزیران خارجه ترکیه و عربستان و نیز «آویگدور لیبرمن» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ در اظهاراتی ضد ایرانی، جمهوری اسلامی را به دخالت در مسائل داخلی کشورهای عرب و حمایت از تروریسم متهم کردند. از این رو به نظر می‌رسد گفتمان انقلاب اسلامی در

گفتمان انقلاب اسلامی
و مسایل وچالش‌های
فراروی آن
(۷ تا ۲۷)

منطقه با این مثلث مذکور به مثابه چالش منطقه ای روبرو می باشد. در ادامه نوشته حاضر به برخی از این چالش ها اشاره می شود.

۱. اسرائیل به مثابه کانون اصلی بحران ساز در منطقه

اسرائیل به عنوان یک دولت اشغال گر در متن کشورهای اسلامی که به کشتار، راندن و آواره کردن فلسطینیان مسلمان از سرزمین اجدادی آنها مبادرت می ورزد، در گفتمان انقلاب اسلامی، از مشروعیت برخوردار نبوده است. از این رو رهبران نظام جمهوری اسلامی در راس آنها امام خمینی (ره) هیچ وقت موجودیت آن را به رسمیت نشناخته و سعی در بیداری ملل مسلمان در جهت آگاهی از ماهیت غاصبانه دولت صهیونیستی و مبارزه با سلطه جوی آن داشته اند. امام خمینی در این باره می نویسند: ما از سالهای بسیار قبل، همیشه راجع به اسرائیل و غاصب بودن آن صحبت کرده ایم. همیشه بنای ما این است که در کنار برادران فلسطینی خود بایستیم و هر وقت هم قدرت پیدا کنیم، همان طوری که آنها از حقشان دفاع می کنند، ما هم مثل برادر با آنها همدوش و هم‌رزم خواهیم بود. بیت المقدس باید به مسلمین برگردد. اسرائیلیها غاصبند. " (علی داستانی بیرکی، ، ۱۳۸۲ص ۹۳) از این رو اسرائیل نیز همواره با حمایت قدرت های سلطه جو بویژه امریکا به دشمنی و مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته است.

اکنون دولت اسرائیل مدعی است که در صورت دستیابی جمهوری اسلامی به ساخت سلاح های اتمی، موجودیت کشور یهود در خطر جدی قرار خواهد گرفت و این کشور اولین هدف حمله احتمالی اتمی ایران خواهد بود. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر کنونی اسرائیل که از وی به عنوان یکی از موافقان «حمله پیش گیرانه» اسرائیل به تأسیسات هسته ای ایران یاد می شود، بارها در سخنرانی های رسمی تأکید کرده است که «همه خطرها در مقایسه با خطر ناشی از هسته ای شدن ایران کوچک و بی اهمیت است».. (<https://fa.wikipedia.org>).

ترور دانشمندان مرتبط با برنامه هسته ای ایران، تهاجم بدافزارها و ویروس های رایانه ای به تأسیسات هسته ای ایران و تهدیدهای مکرر مقامات نظامی و سیاسی اسرائیل در «حمله پیش گیرانه» به تأسیسات هسته ای ایران از جمله چالش های



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

اسرائیل بر علیه ایران در سال‌های اخیر بوده‌اند. اسرائیل همچنین جدی‌ترین مخالف برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و گروه پنج بعلاوه یک می‌باشد که به بسته شدن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت انجامید.

اخیرا در نشست امنیتی مونیخ ویگدور لیبرمن وزیر دفاع اسرائیل در یک موضع گیری تند بر علیه ایران اظهار داشت: هدف ایران "تضعیف ثبات در کشورهای خاورمیانه و در نهایت عربستان سعودی است." وی خواستار گفتگو با کشورهای عربی برای مقابله با ایران شد. وزیر دفاع اسرائیل گفت مشکلات خاورمیانه را می‌شود در سه کلمه ایران، ایران و ایران خلاصه کرد. او گفت چشم‌انداز مطلوبش همکاری منطقه‌ای در مقابل ایران است.

۲. بحران داعش

با آغاز جنگ داخلی سوریه بازمانده‌های گروه جماعت توحید و جهاد ابومصعب الزرقاوی (رهبر کشته شده القاعده عراق) وارد سوریه شدند و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «دولت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس با نام مخفف داعش معروف شدند. آنها به سرعت بخش‌هایی از شمال شرقی سوریه را تصرف کرده و شهر رقه را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرده و موفق شدند رمادی و فلوجه مهمترین شهرهای استان انبار در عراق را به قلمرو خود اضافه کند. در ژوئن ۲۰۱۴ مهمترین موفقیت داعش با تصرف موصل - دومین شهر بزرگ عراق - به دست آمد. آنها تا خرداد ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و بخش‌های شمال غربی عراق را در تصرف خود درآوردند.

این گروهک تروریستی - تکفیری بارها خطاب به تمامی شیعیان اعلام کرده: "رافضی‌ها بدانند که هدف ما تخریب نماد شرک آلود در نجف، کربلاء و سامرا است. بدانید که بعد از تخریب این نمادها در عراق به ایران خواهیم آمد و مشهد ایران را با خاک یکسان خواهیم کرد. همچنین آنها از تمامی مسلمانان درخواست کرده اند که برای تطهیر زمین از "رافضی‌ها بسیج شوند، تا هر چه سریعتر اسلام اصیل در جهان جریان یابد.

گفتمان انقلاب اسلامی
و مسایل و چالش‌های
فراروی آن
(۷ تا ۲۷)

بنابر این ایران به عنوان بزرگترین کشور شیعه جهان و حامی نخست شیعیان منطقه در لیست هدف های اصلی داعش قرار دارد و از این جهت برای ایران یک خطر جدی است. اینکه آنها تا چه اندازه موفق شوند به تهدیدات خود عمل کنند موضوع دیگری است. ولی برای مثال گروه هایی که با جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، می توانند از طریق داعش مجهز شوند و علیه مردم جنایت کنند. از سوی دیگر برخی از کشورهای منطقه به خاطر دشمنی با ایران ممکن است به کمک داعش متوسل شوند.» (مهرداد خوانساری، «همراه با یورونیوز» روز سه شنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۹۴).

۳. جاه طلبی عربستان و هم پیمانانش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمینه های گوناگونی به چالش بین ایران و عربستان دامن زده است که از آن جمله می توان به این اقدامات چالش برانگیز عربستان بر علیه ایران اشاره کرد: حمایت از عراق در جنگ با ایران، همکاری با امریکائی ها در عملیات طبس، کشتار حاجیان ایرانی در سال ۱۳۶۶، حمایت از مخالفان اسد در جنگ داخلی سوریه و مقابله با نفوذ ایران، کمک به سرکوب شیعیان بحرین، مخالفت با انقلاب مصر و حمایت از کودتا، کارشکنی و مخالفت با دولت شیعه در عراق، درخواست حمله نظامی آمریکا به ایران و متوقف کردن برنامه هسته ای ایران، اعدام ۱۸ ایرانی در زندان دمام به جرم مواد مخدر، اظهار نارضایتی و سنگ اندازی در مسیر حصول توافق هسته ای ایران و غرب، تلاش در جهت کاهش قیمت نفت و ضربه به ایران، حمله به یمن و سرکوب شیعیان، تجاوز جنسی پلیس فرودگاه جدّه به ۲ نوجوان ایرانی، اعدام شیخ نمر باقر النمر، روحانی مخالف دولت عربستان، قطع رابطه با ایران بدلیل حمله معترضان اعدام شیخ نمر به سفارت و کنسولگری عربستان در تهران و مشهد.

آنچنانکه از این اقدامات عربستان پیداست این کشور همواره نگران گسترش گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و در صدد مقابله با این نفوذ بوده است ولی در دوره جدید تلاشهای ضد ایرانی آن با توجه به تحولات منطقه افزایش یافته است. به تعبیر برخی از کارشناسان بین الملل پادشاه جدید عربستان با تمام قوا رویکرد



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

ضد ایرانی بودن را در عراق، سوریه و لیبی در پیش گرفته، و به همین دلیل همکاری نظامی سیاسی خود را با ترکیه، پاکستان، قطر و مصر گسترش می‌دهد. (پتر لووف، ۹۴/۲/۲۴)

فضای سیاسی تازه جهان حالا امکان همکاری اسرائیل و کشورهای عرب به رهبری عربستان را در مقابل ایران افزایش داده است. عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان در نشست امنیتی مونیخ در موضع گیری تند بر علیه ایران همسو با اسرائیل از ایران "به عنوان بزرگترین کشور حامی تروریسم در جهان" نام برد.

۴. داعیه های امپراطوری گرایانه ترکیه

یکی دیگر از چالش های منطقه ای نظام جمهوری اسلامی ایران را دولت کنونی ترکیه با سودای بازگشت امپراطوری عثمانی بوجود آورده است. رجب طیب اردوغان در اول آگوست ۲۰۱۳ در دفتر یادبود آرامگاه آتاتورک نوشت که ترکیه با عزمی جزم در حال تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای و جهانی است. وی در اظهارنظر دیگری در جریان درگیری‌های سوریه عنوان کرد که بدون اجازه ما در خاورمیانه حتی پرنده‌ای نمی‌تواند پر بزند. بنابراین اگر چه احمد داووداوغلو معمار سیاست خارجی ترکیه مدعی بود که ترکیه درصدد است ناملایمات موجود میان خود و یونان، ارمنستان، عراق، سوریه و ایران را به صفر برساند اما با تغییر شرایط منطقه‌ای و بروز تنش در عرصه داخلی سوریه، سیاست‌های ترکیه هم به موازات آن تغییر کرد. در رابطه با سیاست های جدید ترکیه که بنوعی گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش می کشاند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. از زمانی که رویه مصالحه جویانه معترضان سیاسی سوریه به خشونت و جنگ داخلی منجر شد رویکرد ترکیه نسبت به دولتمردان سوری تغییر پیدا کرد و ترکیه مخالفان بشار اسد را میزبانی کرده و حتی شرایطی فراهم کرد تا مخالفان برای عبور نیرو و انتقال سلاح از خاک ترکیه استفاده کنند. هرچند این تلاش ترکیه برای سرنگونی بشار اسد تاکنون ناکام مانده است. ولی این سیاستهای دولت اردوغان باعث سردی روابط این کشور با ایران شده است.
۲. بعد از استقرار یک حکومت شیعی در عراق، اردوغان بارها از سیاست های

دولت مالکی انتقاد کرد و حمایت از سنی ها را مطرح ساخت. وجود دو کشور شیعی ایران و عراق به عنوان همسایه ترکیه سنی مذهب، یک نگرانی بزرگ تلقی شد، بویژه آن که از دوران عثمانی تاکنون همواره بین ایران و ترکیه رقابت نهان و آشکاری برای تاثیرپذیری بیشتر بر منطقه وجود داشت. از سوی دیگر دغدغه هایی هم از سوی برخی دولتمردان عرب منطقه مبنی بر گسترش نفوذ هلال شیعی مطرح شد. ترکیه برای مقابله با این وضع و جلوگیری از نفوذ بیشتر شیعیان منطقه، حمایت از گروه های سنی عراق را در دستور کار خود قرار داد.

حمایت پنهان از گروه های تکفیری مثل داعش و عدم موضعگیری قاطع در برابر اقدامات خشونت بار این گروه ستیزه جو و تبلیغ تقسیم قدرت میان اقوام و گروه های مذهبی سنی در مقابل دولت شیعی محور عراق از جمله سیاست های ترکیه در سال های اخیر بود. ترکیه در این رویکرد جدید، تلاش فراوانی دارد که ضمن ایجاد یک همسویی با عربستان به عنوان یکی از حامیان مهم اهل سنت منطقه و مخالف قدرت گیری شیعیان، زمینه های تضعیف جایگاه ایران در عراق را فراهم آورد.

۳. ترکیه همچنان به رغم ناکامی هایی که در برخی از سیاست های خارجی نصیبش شده در پی بسط و گسترش نفوذ در کشورهای منطقه ای است، منتها این دیپلماسی که در ابتدا، فقط درصد بهره گیری از قدرت نرم بود به واسطه تشدید بحران ها نقش ترکیه را از حالت میانجی گری به صورت یکی از کشورهای درگیر درآورد و باعث شد که این نوع واسطه گری تا حدود زیادی به حاشیه برود. (فتاح غلامی، سایت جام جم ۴ آذر ۹۳).

از آنجایی که دولت رجب طیب اردوغان که در طول ۶ سال بحران سوریه نتوانست از رهگذر همراهی با عربستان، رژیم صهیونیستی و قطر دولت بشار اسد را سرنگون کند لذا کنش تهاجمی جدیدی را در منطقه تعریف کرده است. بررسی شرایط داخلی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دولت رجب طیب اردوغان نشانگر آن است که ترکیه برای دریافت کمک مالی و خروج از بحران اقتصادی تلاش می کند تا زیر چتر عربستان و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار گیرد تا از سفره رنگین این کشورها بهره برداری کند. یکی از شرایط عربستان برای کمک مالی



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

به ترکیه، جدایی سیاسی این کشور از جمهوری اسلامی و موضع‌گیری تند علیه سیاست‌های ایران و پیوستن رسمی ترکیه به جبهه عبری - عربی است. از این رو رجب طیب اردوغان در سفر به عربستان، بحرین و قطر، مواضع تندی علیه جمهوری اسلامی ایران ابراز داشت تا رضایت عربستان را بدست آورد.

چالش‌های بین‌المللی

انقلاب اسلامی ایران گرچه در حوزه جغرافیایی و محدوده جغرافیایی ایران و در زیرسیستم منطقه‌ای خاورمیانه رخ داد، ولی بازتاب و تاثیراتی فراتر از منطقه داشته است. با شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن (جمهوری اسلامی)، از یک سو آمریکا و غرب مهم‌ترین متحد استراتژیک خود در خاورمیانه را از دست دادند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی به مبارزه و مقابله با سیاست‌های آمریکا و غرب در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی پرداخت. اما مهم‌ترین تاثیر انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی، احیای اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی تاثیرگذار در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. گفتمان انقلاب اسلامی متضمن ارزش‌ها، هنجارها، ایده‌ها و انگاره‌هایی متفاوت و متمایز از گفتمان‌های لیبرالیستی و سوسیالیستی بوده است، گفتمان انقلاب اسلامی با تاکید بر تلفیق دین و دولت و شریعت و سیاست موجب احیای نقش دین و مذهب در عرصه بین‌المللی بوده است. بازگشت دین و هویت‌های دینی به روابط بین‌الملل که در قالب دولت‌های دینی، بازیگران مذهبی فراملی و نهادها و سازمان‌های مذهبی صورت گرفته است، بنیاد سکولار روابط بین‌الملل در عمل و تئوری را به چالش کشیده است. از این رو غربی‌ها از جمله آمریکا از ابتدای شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یک قطب قدرت به مواجهه و مقابله با انقلاب اسلامی به منظور مهار و سد نفوذ آن پرداخته‌اند.

هژمونی طلبی آمریکا

ایران بدنال دکتترین نیکسون بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به ژاندارم آمریکا در منطقه مبدل شده بود. شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها ایران را از حلقه دولت‌های حامی منافع آن کشور خارج ساخت بلکه با ایجاد نظام سیاسی جدید با

گفتمان انقلاب اسلامی
و مسایل و چالش‌های
فراروی آن
(۷ تا ۲۷)



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

دال مرکزی دینی و بازتاب معنی دار آن در منطقه و برهم زدن معادلات سیاسی و امنیتی و ایجاد خلاء امنیتی بزرگ برای غرب و امریکا، نگرانی آنها را برانگیخت و امریکا و متحدانش، گفتمان انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن را مهم ترین چالش برضد نظام لیبرال دموکراسی و در نتیجه هژمونی فرهنگی امریکا در جهان و بخصوص خاورمیانه تلقی کردند. بر همین اساس برژنسکی نظریه پرداز مشهور آمریکایی تصریح نمود براینکه: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران (امام) خمینی (ره) یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است ایجاد کرده است. بنیادگرایی اسلامی پدیده ای است که امروزه آشکار نظم و ثبات موجود را تهدید می کند.» (داودی، محسن، ۱۳۶۸: ۸۰) ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکانیز در اذعان به مسئله گفت: «جهان اسلام در قرن بیست و یکم یکی از مهمترین میدان های زور آزمایی سیاست خارجی آمریکاست.» (نیکسون، ریچارد، فرصت را از دست ندهید، ترجمه، حسین وفسی نژاد، تهران: ص ۲۵۶) از این رو امریکا و سایر دول غربی از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، برای مهار و کنترل آن به انواع راهبردهای سخت از جمله محاصره اقتصادی و حمایت از شورش های محلی، ترور، حمله نظامی طبس، کودتای نوژه و تحریک عراق برای حمله به ایران و کمک مالی و نظامی به مخالفان نظام و براندازی نرم از جمله ایران هراسی، شیعه هراسی متوسل گردیده اند.

از آنجا که برای از بین بردن هژمونی و سلطه یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد، بدنبال شکست اقدامات سخت افزارنه امریکا و متحدان او در برابر گفتمان انقلاب اسلامی، به نظر می رسد ثورسین ها و سیاست مداران غربی به این نتیجه رسیدند تا با تاکتیک های نرم و ایجاد فضای ملتهب مدلولات خاص خود را به دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی الصاق و نظام معنایی خویش را تثبیت نمایند. بر این اساس آنها با بهره گیری از تاکتیکهای مختلفی، درصدد: بی تفاوت کردن جوانان به اعتقادات دینی ورسوخ تفکرات الحادی در فکر آنها، ایجاد شکاف و اختلاف بین مردم ومسئولین ومسئولین با نخبگان وحاکمیت دوگانه، واقعیت نمایی وهدایت مسئولان به سوی مساله یابی غلط، تضعیف اعتماد به نفس ایرانیان

وبزرگ نمایی دست آوردهای غرب، ایجادشایبه ناکارآمدی نظام (آیت اله خامنه ای، هشتم خرداد ۹۰، سوم مرداد ۹۰) بوده اند. وبا توجه به دسترسی آنها به صنایع فرهنگی مختلف، رسانه ها، خبرگزاری ها و آژانس های خبری، همچنین فن آوری های نوین ارتباطی مانند شبکه های اجتماعی (فیس بوک -تویتر) وبلاگ ها و غیره. در جهت تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی کوشیده اند. کمک به رشد و گسترش سبک زندگی غربی، شکل گیری تفکرات سکولاردر میان افراد تحصیل کرده، تضعیف ولایت فقیه، ایجاد شایبه ناکارآمدی نظام اسلامی، گسترش شکاف یا تفاوت نسلی، مسأله یابی غلط، فرقه سازی، را می توان بخشی از این تلاش ها دانست. (قربانعلی قربان زاده سوار، ۱۳۹۲).

نتیجه

علیرغم همه چالش های که در داخل وخارج از مرزهای ملی در برابر گفتمان انقلاب اسلامی وجود داشته، هر روز برثبات و مانایی این گفتمان افزوده می شود و به تعبیر مقام معظم رهبری علیرغم اینکه: "از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، قدرتهای جهانی همواره تلاش داشتند تا با مانع تراشی های فراوان همچون تحمیل جنگ هشت ساله، انجام اقدامات تروریستی، و تحریم ها، حرکت ملت ایران را متوقف کنند و انقلاب اسلامی را به زانو در آورند و ملت را پشیمان کنند اما، با وجود همه این چالش ها، نظام اسلامی راه خود را با قوت ادامه داده و بر آنها غلبه کرده است." (۹۰/۱۱/۱۴) اما این بدان معنی نیست که ما از آسیب ها و چالش های پیش روی آن غافل باشیم. چه اینکه می دانیم رقبای گفتمان انقلاب اسلامی در داخل وخارج همواره درصد این هستند تا با بوجود آوردن چالش های گوناگون زمینه تضعیف این گفتمان را فراهم ساخته وبا مشروعیت زدایی از آن، این گفتمان را از مرکزیت بیاندازند، به برخی از این چالشها: ظهور گفتمان های رقیب(اسلام مدنی، اسلام فرهنگی واسلام سلفی)، جاه طلبی ودشمنی برخی از کشورهای منطقه وتلاشهای سلطه جویانه غرب بویژه امریکا، در این نوشته اشاره شد.

گفتمان انقلاب اسلامی
و مسایل وچالش های
فراروی آن
(۲۷ تا ۲۷)

منابع

- احمد متقی زاده، مولفه های قدرت نرم انقلاب اسلامی، مطالعات قدرت نرم: تابستان ۱۳۹۰، دوره ۱، شماره ۲.
- امام خمینی، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۵.
- ایوبی حجت اله، مولفه های گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، پیش شماره بهار ۱۳۸۰.
- پتر لووف، کارشناس روس در مسائل بین الملل در گفتگو با خبرگزاری تحلیلی «اوکو پلانت»، سایت خبرگزاری فارس، ۹۴/۰۲/۲۴.
- جلالی پور، حمیدرضا، جامعه شناسی جنبش های اجتماعی تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
- حسین راغفر، مشکل اصلی اقتصاد ایران چیست؟ سایت فرارو، ۲۶ مهر ۹۴.
- حمید داوود آبادی، ریشه مشکلات فرهنگی، سایت رجا نیوز، ۲۵ فروردین ۸۹.
- خامنه ای (ره)، دیدار با اعضای مجلس خبرگان، سایت رهبری، ۹۲/۱۲/۱۵.
- خامنه ای (ره)، دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته ی دولت، سایت رهبری، ۹۴/۶/۴.
- خامنه ای (ره)، سایت رهبری، ۹۲/۸/۲۹.
- خامنه ای (ره)، سایت رهبری، بیانات هشتم خرداد ۹۰، سوم مرداد ۹۱.
- داودی، محسن، ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می نامد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸.
- داوود فیرحی، جریان شناسی اسلام سیاسی معاصر، سایت خبری و تحلیلی صدای ایران، ۲ شهریور ۱۳۹۳.
- دکتر مهرداد خوانساری، «همراه با یورونیوز» روز سه شنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۹۴.
- علی داستانی بیرکی، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲ ص ۹۳.
- علی ربانی خوارسگانی و محمد میرزایی، ایدئولوژی، سوژه، هژمونی و امر سیاسی در بستر گفتمان، غرب شناسی بنیادین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۳.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره یازدهم
بهار ۱۳۹۶

- علی طیب نیا، اصلی ترین مشکل اقتصاد ایران چیست؟ سایت اقتصاد ایرانی، ۲۷ تیر ۹۲.
- غلامحسین الهام، تولید فرهنگی راه حل برون رفت از مشکلات فرهنگی، سایت باشگاه اندیشه، ۱۹ اردیبهشت ۸۲
- فتاح غلامی، ترکیه و رویاهای بیسرانجام امپراتوری سودای خام بازگشت امپراتوری سایت جام جم ۴ آذر ۹۳.
- قربانعلی قربان زاده سوار، جنگ نرم غرب و مشروعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۲، بهار ۱۳۹۲.
- محمد تقی مقدمی، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا وموف ونقد آن، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۹۰.
- محمد سالارکسرابی، نظریه گفتمان لاکلا وموف، سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳.
- مهدی دلروشن، نگاهی به دیپلماسی شش رئیس جمهور آمریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران، در سایت: همشهری آنلاین.
- مهدی علیخانی، بررسی مداخلات جهانی آمریکا و پیامدهای آن، در سایت باشگاه.
- نبی الله ابراهیمی، پسا اسلام گرایی یا اسلام مدنی، سایت تابناک، ۲۷ آذر ۱۳۹۰.
- نیکسون، ریچارد، فرصت را از دست ندهید، ترجمه، حسین وفسی نژاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.

گفتمان انقلاب اسلامی

و مسایل وچالش‌های

فراروی آن

(۷ تا ۲۷)

- <http://hamshahrionline.ir/details/34648>.
- <http://mh.farhangoeim.ir/Articles>
- <http://www.bashgah.net/fa/content/show/18476>
- <http://www.hamshahrionline.ir/print/190064>.
- <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/90216>
- <https://fa.wikipedia.org>.